

یکپارچه سازی منابع مشترک نفت و گاز در الگوی جدید قراردادهای نفتی ایران

جواد کاشانی^۱ - توحید قلی زاده^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۰ تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۳۰

چکیده

به دنبال تصویب نامه شماره ۱۰۴۰۸۹/ت/۵۲۴۴۵ ه مورخ ۱۳۹۴/۸/۱۱ هیات وزیران در مورد شرایط عمومی و ساختار الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز، نمونه قراردادهای جدید نفتی ایران هفتم و هشتم آذرماه ۱۳۹۴ در کنفرانس تهران رونمایی شد، در این نمونه وظیفه اکتشاف، توسعه و تولید از میدان نفتی برای دوره زمانی بیش از بیست سال بر عهده پیمانکار خواهد بود. در این شرایط ممکن است میدان یا ساختار نفتی در نواحی قراردادی دو یا چند پیمانکار واقع شود. در صورت عدم پیش بینی سازوکار حقوقی/ قراردادی مناسب برای مدیریت چنین پدیده ای، این مسئله می تواند منجر به هدر رفت فیزیکی و اقتصادی منابع شده و منافع ملی را به خطر اندازد. هرچند در پیش نویس الگوی جدید، مشترک بودن ساختار یا میدان نفتی بین بلوک های مجاور پیش بینی شده ولی بررسی های انجام شده در این تحقیق نشان می دهد که شروط مربوط با ابهامات جدی همراه است. در این تحقیق، کوشش شده است با مقایسه و بررسی منابع حقوقی مرتبط با موضوع در تعدادی از کشورها، راه حل هایی را برای مواقعی که میدان یا ساختار نفتی مشترک بین بلوک های مجاور کشف می شود، پیشنهاد گردد.

واژگان کلیدی: الگوی جدید قراردادهای نفتی ایران، یکپارچه سازی داخلی، یکپارچه سازی بین المللی، میدان و ساختار نفتی، منابع مشترک نفت و گاز

۱. دانشیار حقوق خصوصی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول) kashani.lawyer@gmail.com

۲. دانش آموخته دکتری رشته مدیریت قراردادهای بین الملل نفت و گاز دانشگاه علامه طباطبائی
gholizadeh.tohid@gmail.com

مقدمه

هفتم و هشتم آذرماه ۱۳۹۴ وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران متعاقب ابلاغ تصویب‌نامه شماره ۱۰۴۰۸۹/ه ت ۵۲۴۴۵ مورخ ۱۳۹۴/۸/۱۱ هیات وزیران در مورد شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز، طی کنفرانس بین‌المللی اقدام به معرفی نمونه قراردادهای جدید نفتی موسوم به IPC نمود. در کنفرانس مذکور ساختار کلی قراردادهای جدید معرفی شد و ارائه جزئیات بیشتر به آینده موکول شد. تفاوت قراردادهای جدید با قراردادهای پیشین که معروف به قراردادهای بیع متقابل بودند در این است که پیمانکار وظیفه انجام عملیات اکتشاف، ارزیابی، توسعه و تولید را بر عهده خواهد داشت. به عبارت دیگر، قراردادهای جدید قرارداد ترکیبی^۱ هستند. در قراردادهای پیشین وظیفه تولید از میدان برعهده شرکت ملی نفت ایران بود و عملیات اکتشاف، ارزیابی و توسعه به‌طور جداگانه طی قراردادهای مجزا انجام می‌شدند. در قراردادهای جدید مناطق با پتانسیل کشف منابع هیدروکربنی بلوک‌بندی شده و طی مناقصه یا مذاکره به پیمانکاران واگذار خواهند شد. در این بین ممکن است ذخایر هیدروکربنی از مرزهای بلوک یا بلوک‌های واگذار شده به یک پیمانکار عبور کرده و امکان بهره‌برداری آنها از بلوک مجاور میسر باشد. پیش از این به دلیل جدا بودن مراحل اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری، شرکت ملی نفت ایران می‌توانست بعد از کشف میدان یا مخزن، محدوده قراردادی را به گونه‌ای تعیین کند که کل میدان یا مخزن توسط یک پیمانکار توسعه داده شود. در حالی که در قراردادهای جدید بلوک‌ها از ابتدا به پیمانکاران واگذار خواهند شد و مشخص نیست که ذخایر هیدروکربنی احتمالی در چه منطقه جغرافیایی گسترده شده‌اند. در کشورهای دیگر چون انگلستان و آمریکا برای جلوگیری از هدر رفت فیزیکی و اقتصادی منابع، دارندگان امتیاز را ملزم به یکپارچه‌سازی مخزن یا میدان و بهره‌برداری از آن به صورت واحد می‌نمایند. کشورهای مذکور قوانین و مقررات متعددی را نیز در این خصوص تنظیم و تصویب نموده‌اند. در متن پیش‌نویس قراردادهای جدید ایران نیز به امکان مشترک بودن مخزن یا میدان و لزوم یکپارچه‌سازی در صورت کشف چنین میدان یا مخزنی اشاره شده است.

یکپارچه‌سازی^۲ شیوه‌ای است که برای اولین بار در آمریکا به منظور توسعه مؤثر و کارای

۱. ماده ۱-۲ الگوی جدید قراردادهای نفتی

۲. -Unitisation=unitization

مخازن نفتی مشترک بین قطعات مفروز به کار گرفته شد. این شیوه فرآیندی است که به وسیله آن ذخایر نفت و گاز در نواحی که مجوز آن در دست بیش از یک نفر باشد به صورت منطقه‌ای واحد مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. اگر میدان، مخزن یا ساختار نفتی در قلمرو دو یا چند کشور همسایه گسترده شده باشد، یکپارچه‌سازی بین‌المللی و در صورتی که بین نواحی قراردادی دو یا چند پیمانکار در قلمرو یک کشور واقع شده باشد، یکپارچه‌سازی داخلی خواهد بود.^۱ افزایش ضریب بازیافت نهایی، جلوگیری از چند برابر شدن هزینه‌های توسعه، جلوگیری از حفاری رقابتی غیر ضرور و تولید صیانتی از مخزن یا میدان از جمله فواید یکپارچه‌سازی است. عدم دقت به این مسئله و نداشتن سازوکارهای حقوقی/قراردادی مناسب برای مواقعی که میدان یا ساختار نفتی مشترک بین دو یا چند ناحیه قراردادی کشف می‌گردد، می‌تواند هزینه‌های فراوانی را برای کشور به همراه داشته باشد. با توجه به اینکه مفهوم یکپارچه‌سازی برای نخستین بار در قراردادهای نفتی ایران مطرح می‌شود. مطالعه و کنکاش بیشتر به منظور آشنایی با جنبه‌های مختلف آن، رفع خلع‌های قانونی و مقرراتی و نیز روشن سازی اذهان بدنه اجرایی صنعت نفت ضروری خواهد بود. در این مقاله سعی شده است با بررسی و مقایسه منابع حقوقی کشورهای مختلف با مواد مرتبط با یکپارچه‌سازی در الگوی قراردادهای ایران نقاط ضعف و قوت الگوی قراردادی مذکور مشخص شده و در صورت نیاز پیشنهادهایی برای اصلاح ارائه شود.

۱- روش تحقیق

در این تحقیق ضمن بررسی مواد مربوط به یکپارچه‌سازی در متن پیش‌نویس قراردادهای بالادستی شرکت ملی نفت ایران به مقایسه آنها با قراردادها، مقررات و حقوق مشابه در کشورهای دیگر پرداخته شده است. بدین منظور از منابع جمع‌آوری شده توسط خانم «ژاکلین وی‌ور» و «آقای دیوید اسموز»^۲ در طرح پژوهشی که به سفارش انجمن بین‌المللی مذاکره‌کنندگان نفتی و دانشگاه استین ایالت تگزاس انجام دادند به همراه منابع حقوقی الجزایر، روسیه و عراق

۱. کاشانی، جواد... منابع نفت و گاز مشترک از منظر حقوق بین‌الملل. چاپ دوم، (تهران: شهر دانش، ۱۳۹۳) ۳۲۴ صفحه،

استفاده شده است. برای کمک به درک بهتر، موضوع به صورت فرآیندی مطرح و بررسی شده است. سوالات زیر در فرآیند اجرای یکپارچه سازی از ابتدای کشف میدان یا ساختار نفتی تا مرحله انعقاد قرارداد یکپارچه سازی مطرح خواهند شد:

۱. چه چیزی باید یکپارچه سازی شود؟ در قراردادها و منابع حقوقی عبارت های مختلفی برای آنچه باید با همکاری طرفین توسعه و بهره برداری شود به کار برده شده است. تفاوت و تشابه آنها چیست؟

۲. آنچه باید با همکاری طرفین توسعه و بهره برداری شود دارای چه ویژگی هایی باشد؟

۳. هدف از یکپارچه سازی چیست؟

۴. آیا یکپارچه سازی اجباری است یا اختیاری؟

۵. فرآیند تشخیص و تایید یکپارچه سازی چگونه است؟

۶. فرآیند تهیه و تنظیم، تصویب و تایید موافقت نامه یکپارچه سازی چگونه است؟

۷. در صورت کشف گسترش میدان یا ساختار نفتی به بیرون از مرزهای سیاسی کشور، چگونه باید عمل کرد؟

۲- یکپارچه سازی در الگوی قراردادهای جدید نفتی ایران و تجزیه و تحلیل تطبیقی آن

در پی تصویب نامه هیئت وزیران^۱ در خصوص شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز، وزارت نفت اقدام به تهیه الگوی جدید قراردادهای نفتی نمود. در نسخه ای که به صورت غیررسمی منتشر شده، بندهای ۲۰ تا ۲۳ ماده ۱۶ پیش نویس مذکور به لزوم یکپارچه سازی در صورت کشف میدان یا ساختار نفتی مشترک اختصاص یافته است. هم زمان با تهیه الگوی قراردادهای جدید، برای تهیه پیش نویس موافقت نامه یکپارچه سازی به منظور توسعه میدان های

۱. - هیات وزیران در تاریخ ۱۳۹۴/۸/۱۱ تصویب نامه شماره ۱۰۴۰۸۹/ت ۵۲۴۴۵ ه را در مورد شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز صادر کرد که با انتقادهای زیادی از سوی برخی از افراد مواجه شد و در نهایت هیات وزیران با پذیرش برخی از نظرات ابراز شده، تصویب نامه جدید شماره ۵۷۲۲۵/ت ۵۳۳۶۷ ه را در تاریخ ۱۳۹۵/۵/۱۶ صادر کرد و بموجب ماده ۱۶ آن، تصویب نامه پیشین را بی اعتبار اعلام نمود. در ضمن هیات وزیران بموجب تصویب نامه شماره ۵۷۲۲۲/ت ۵۳۳۶۷ ه مورخ ۱۳۹۵/۵/۱۶ نحوه نظارت بر انعقاد و اجرای قراردادهای نفتی موضوع تصویب نامه شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز را تعیین کرد.

مشترک ایران با کشور عراق در معاونت حقوقی ریاست جمهوری و معاونت سرمایه‌گذاری وزارت نفت تلاش‌هایی انجام شد. مفاد مورد اشاره در نمونه جدید که در این مقاله به آن خواهیم پرداخت، مربوط به یکپارچه‌سازی داخلی و پیش‌نویس موافقت‌نامه یکپارچه‌سازی اشاره شده مربوط به یکپارچه‌سازی بین‌المللی است. منافع حاصل از یکپارچه‌سازی بر کسی پوشیده نیست و تقریباً در حال تبدیل شدن به رویه بین‌المللی است. هرچند گاهی اختلافات موجود بین کشورها دست یافتن به موافقت‌نامه یکپارچه‌سازی بین‌المللی را دشوار می‌کند، در حالی که یکپارچه‌سازی داخلی چنین نیست و کشور میزبان می‌تواند پیمانکاران را ملزم به یکپارچه‌سازی کند. مفاد مربوط به یکپارچه‌سازی در الگوی قراردادهای جدید به شرح زیر می‌باشد:

«برای همه میدان‌ها یا ساختار مشترکی که میدان جدیدی برای عملیات نفتی تشخیص داده شده‌اند یا در حال حاضر تحت عملیات نفتی از طرف دیگر میدان (طرف مجاور) می‌باشند، شرکت ملی نفت ایران ممکن است بر اساس نظر کمیته مشترک مدیریت از پیمانکار بخواهد برنامه کاری برای یکپارچه‌سازیمشترک با طرف مجاور را که منوط به بررسی و تایید شرکت ملی نفت ایران خواهد بود، تهیه نماید». (ماده ۱۶-۲۰ نمونه قراردادهای جدید نفتی ایران)

ماده ۱۶-۲۱ پیمانکار را ملزم می‌کند طرح یکپارچه‌سازیرا بر اساس اصول، رویه‌ها، دستورالعمل‌ها و حدود تعیین شده میدان از سوی شرکت ملی نفت ایران تهیه نماید. همچنین، همکاری با طرف ثالث در طرح یکپارچه‌سازیکفته شده یا عدم توفیق در این زمینه مانع از این نخواهد شد که شرکت ملی نفت ایران به‌طور مستقیم با شخص ثالث به‌منظور توسعه و عملیات مشترک میدان به مذاکره بپردازد. (ماده ۱۶-۲۲) و اگر مذاکره با شخص ثالث به نتیجه برسد، پیمانکار ملزم به ادامه عملیات بر اساس آن می‌باشد در غیر این صورت باید عملیات نفتی در میدان را ترک کند. (ماده ۱۶-۲۳) در ادامه سعی شده است ابهاماتی که از نظر نگارندگان در شروط فوق دیده می‌شوند در قالب پاسخ‌گویی به سؤالاتی که در مقدمه آورده شد، موردبررسی قرار گیرد.

۱-۲- آنچه باید یکپارچه‌سازیشود چیست و چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

در منابع حقوقی کشورهای موردبررسی واژگان مختلفی برای مشخص نمودن آنچه باید یکپارچه‌سازیشود به کاربرده شده است. در الگوی قراردادی ایران از دو اصطلاح «میدان» و

«ساختار نفتی و گازی» استفاده شده است. ذخایر نفتی^۱، استخر^۲، میدان^۳، تله نفتی تولیدی^۴، لایه‌ی تولیدی^۵ و مخزن^۶ کلماتی هستند که در منابع حقوقی در دسترس این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

تعریف هر یک از اصطلاحات فوق در مجال این مقاله نمی‌گنجد و برای اطلاع از تعاریف آنها خوانندگان می‌توانند به هر یک از کتاب‌های زمین‌شناسی نفت مراجعه کنند.^۷ ولی به‌طور خلاصه می‌توان گفت که منظور از عبارت‌های فوق، ذخایر هیدروکربنی است که از بلوک‌های مجاور قابل استحصال بوده و اگر استخراجی در منطقه قراردادی صورت گیرد امکان تخلیه هیدروکربن بلوک‌های مجاور وجود خواهد داشت؛ بنابراین هدف دولت‌ها از به کار بردن اصطلاحات فوق تمایز در آنچه باید یکپارچه‌سازی شود، نیست بلکه همگی به دنبال جلوگیری از حفاری رقابتی و افزایش ضریب بازیافت نهایی مخزن و فراهم نمودن سهم منصفانه برای دارندگان امتیاز می‌باشند. همچنین، با توجه به عمومیت بیشتر دو اصطلاح «میدان‌های نفت و گاز» و «ساختارهای زمین‌شناسی نفتی» استفاده از آنها مناسب‌تر به نظر می‌رسد. باین وجود تفاوتی اساسی بین این دو مفهوم وجود دارد که استفاده هم‌زمان از هر دو اصطلاح را در متن ضروری می‌نماید. منظور از ساختارهای نفتی و گازی، ساختارهای زمین‌شناسی است که حاوی منابع هیدروکربنی بوده ولی هنوز تحت عملیات اکتشاف و ارزیابی قرار نگرفته و تجاری بودن آنها به اثبات نرسیده و منظور از میدان نفتی و گازی نیز ساختارهای نفتی و گازی است که تجاری بودن آنها به اثبات رسیده باشد.

بر اساس ماده ۱۶-۲۰ الگوی ایران، ساختارها و میدان‌های نفتی در صورت مشترک بودن باید

۱. Petroleum deposit

۲. pool

۳. field

۴. Petroleum bearing trap

۵. Producing layer

۶. reservoir

۷. برای نمونه می‌توان به دو کتاب زیر اشاره کرد:

رضایی، محمد رضا، زمین‌شناسی نفت، (تهران: علوی). و صیرفیان، علی، زمین‌شناسی نفت (تهران: سمر)

به صورت یکپارچه‌سازی تحت عملیات نفتی قرار گیرند. عبارت میدان مشترک مبهم بوده و به خوبی نمی‌تواند مفهوم مورد نظر که گسترش جغرافیایی میدان به بیرون از ناحیه قراردادی است را منتقل کند. مفهوم اشتراک نیز به روشنی تعریف نشده و بیشتر به موقعیت حقوقی طرفین نسبت به میدان نفتی اشاره دارد. در حالی که پیمانکار خارجی نمی‌تواند شراکتی در میدان، مخزن یا ساختار نفتی با شرکت ملی نفت ایران داشته باشد. توضیحات بعدی مبنی بر جدید بودن میدان یا ساختار برای عملیات نفتی و یا در حال توسعه و یا بهره‌برداری بودن میدان و یا ساختار نفتی از سوی دیگر آن توسط طرف مجاور، به منظور شفاف کردن مفهوم میدان یا ساختار نفتی مشترک آورده شده‌اند. در حالی که اگر واژگان مناسب استفاده شود، نیازی به توضیحات مذکور نخواهد بود.

از بین کشورهای مورد بررسی، همگی گسترش جغرافیایی میدان به بیرون از مرزهای قراردادی را به عنوان شرط اول یکپارچه‌سازیدر نظر گرفته‌اند. در این بین چین علاوه بر گسترش جغرافیایی، در ماده ۸-۱۱ الگوی قراردادی که به اسناد مناقصه دور سوم ساحلی پیوست شده بود، اقتصادی شدن توسعه میدان نفتی یا گازی با مرتبط کردن آن با تسهیلات موجود در بیرون از منطقه قراردادی را به عنوان حالت دیگری که منجر به یکپارچه‌سازیمی شود، نام برده است.

در الگوی قرارداد مشارکت در تولید آنگولا نیز علاوه بر موارد فوق دلیل دیگری برای یکپارچه‌سازی آورده شده و آن زمانی است که با ارتباط دادن میدان‌های کوچک سعی در اقتصادی نمودن توسعه و بهره‌برداری از آنها می‌کنند. (ماده ۲۷) تجاری بودن میدان شرط دیگری است که الجزایر، آنگولا و کلمبیا به عنوان پیش شرط یکپارچه‌سازیدر نظر گرفته‌اند. این مسئله نیز خالی از اشکال نیست؛ زیرا ممکن است طرفین به گسترش میدان به نواحی قراردادی یکدیگر پی برده ولی هنوز نیاز به اکتشاف و ارزیابی بیشتر باشد در این صورت برنامه اکتشاف و ارزیابی مشترک باید تهیه گردد و در صورت به اثبات رسیدن تجاری بودن میدان برنامه توسعه به صورت واحد تهیه می‌شود.

۲-۲- هدف از یکپارچه‌سازی چیست؟

افزایش ضریب بازیافت نهایی از میدان، کاهش هزینه‌ها، جلوگیری از اتلاف منابع در زیر و روی زمین، جلوگیری از حفاری رقابتی و افزایش درآمدها از جمله اهداف یکپارچه‌سازیمی باشند.

از بین کشورهای مورد بررسی آنگولا، چین، نیجریه، انگلستان و اکوادور در منابع حقوقی خود به اهداف مورد نظر اشاره کرده‌اند.

آنگولا و چین هدف از یکپارچه‌سازی را افزایش کارایی و تجاری نمودن توسعه میدان‌هایی که به صورت جداگانه از نظر اقتصادی توجیه توسعه ندارند، تعیین کرده‌اند. در مقررات نفت ۱۹۶۹ و قرارداد خدماتی ۱۹۷۹ نیجریه هدف از یکپارچه‌سازی حداقل کردن نرخ بازیافت نهایی نفت، حداقل نمودن هزینه‌ها، افزایش کارایی و جلوگیری از هدر رفت منابع مخزن اعلام شده است. مقررات نفت انگلستان نیز اهداف مشابهی را در نظر گرفته است. به اهداف ذکر شده حفاظت از محیط زیست و فراهم نمودن سهم عادلانه برای دارندگان امتیاز یا پیمانکاران را نیز می‌توان افزود. با توجه به توضیحات بالا به نظر می‌رسد ذکر اهداف مورد نظر از یکپارچه‌سازی میدان‌ها یا ساختارهای نفتی مشترک بین دو یا چند ناحیه قراردادی خالی از لطف نباشد زیرا هدف دولت میزبان از یکپارچه‌سازی واضح می‌کند و صرف عمل به آن و عدم حصول نتیجه مورد قبول نمی‌باشد؛ بنابراین بهتر است دو هدف کلی یعنی افزایش ضریب بازیافت نهایی و کاهش هزینه‌ها در پیش نویس قرارداد نمونه ایران نیز گنجانده شود.

۲-۳- فرآیند تشخیص و تایید یکپارچه‌سازی و تصویب برنامه توسعه مشترک

پیش از بررسی فرآیند تشخیص و تایید یکپارچه‌سازی برنامه توسعه باید به این سوال پاسخ داد که آیا یکپارچه‌سازی اجباری است یا اختیاری؟ در آمریکا، تمام ایالت‌های تولیدکننده به غیر از تگزاس دارای قوانین یکپارچه‌سازی اجباری هستند.^۱ دلیل این امر نیز غلبه بر بن‌بستی است که در صورت عدم توافق طرفین بر سر مسائلی چون تعیین معیارهای همکاری پیش خواهد آمد.^۲ این رویه در سطح بین‌المللی نیز تکرار شده است. از بین کشورهای تحت بررسی آنگولا، روسیه، برزیل، چین، کلمبیا، اکوادور، مصر، نیجریه، عراق و انگلیس یکپارچه‌سازی را اجباری نموده‌اند.

۱. برای اطلاع بیشتر از چگونگی اجباری شدن یکپارچه‌سازی در آمریکا رجوع شود به:

-Kramer M. Bruce & Conin B. Gray, *joint development and operation in International Petroleum Transactions*, 10th edition (rocky mountain mineral law foundation, 2000), 1140 pages.

۲. Weaver, Jacqueline Lang and Asmus, David F «Unitizing Oil and Gas Fields Around the World: A Comparative Analysis of National Laws and Private Contracts» In: Houston Journal of International Law. Vol. 28. (2006)

در این کشورها، طرفین باید ابتدا تلاش کنند که به‌طور داوطلبانه نسبت به یکپارچه‌سازی اقدام کنند و اگر موفق نشوند، فرآیندهایی برای تهیه طرح یکپارچه‌سازی توسط دولت پیش‌بینی شده است که گاه با یکدیگر متفاوت‌اند. شرکت‌های اندکی تمایل دارند که دولت در کار آنها دخالت کند؛ بنابراین چارچوب یکپارچه‌سازی معمول را می‌توان یکپارچه‌سازی اجباری داوطلبانه نامید و آذربایجان تنها کشوری است که در آن یکپارچه‌سازی داوطلبانه می‌باشد.^۱

ماده ۵۴ قانون نفت الجزایر نیز پیمانکاران را ملزم به یکپارچه‌سازی میدان‌هایی که به نواحی مربوط به دو یا چند قرارداد گسترده شده‌اند، کرده است. در صورتی که پیمانکاران نتوانند ظرف مدت شش ماه از اعلام آژانس، برنامه یکپارچه‌سازی را تهیه نمایند، یا اگر آژانس طرح ارائه شده را تایید نکند، آژانس کارشناس مستقلی را برای تهیه طرح به هزینه پیمانکاران از فهرستی که در قرارداد وجود دارد، انتخاب خواهد کرد. طرح یکپارچه‌سازی تهیه شده توسط کارشناس برای طرفین لازم‌الاجرا است. در صورت گسترش میدان به مناطقی فراتر از محدوده واگذار شده که هنوز به شخصی واگذار شده است، آژانس باید مناقصه‌ای را برای انعقاد قرارداد بهره‌برداری نواحی مذکور برگزار نماید. امضاکننده یا امضاکنندگان قرارداد از رویه گفته شده برای ارائه برنامه یکپارچه‌سازی فوق باید پیروی کنند. در خصوص این مواد ابهاماتی را نیز می‌توان مطرح نمود، بایستی کارشناس مستقل از فهرستی که در قرارداد مشخص شده انتخاب شود، منظور از قرارداد کدام است؟ اگر منظور قرارداد نفتی باشد که عموماً دو مورد از آن وجود دارد و قراردادی بین طرفین وجود ندارد. بعلاوه، حق اعتراض به رای کارشناس مستقل نیز اشاره‌ای نشده است.^۲

بر اساس ماده ۲۷ الگوی مشارکت در تولید آنگولا تصمیم به یکپارچه‌سازی برعهده شرکت ملی نفت می‌باشد. پیمانکاران بعد از دریافت اعلام کتبی شرکت ملی نفت با همکاری و تلاش یکدیگر باید طرح توسعه و بهره‌برداری مشترک از ذخایر مدنظر را تهیه و ارائه نمایند. چنانچه این امر در مدت مقرر محقق نگردد، شرکت ملی نفت مشاور مستقلی را که مورد قبول تمامی طرفین باشد را به هزینه پیمانکاران جهت تهیه طرح انتخاب خواهد کرد. اگر پیمانکاران طرح تهیه شده توسط مشاور را نپذیرند باید بخش‌هایی از ناحیه قراردادی به همراه ذخایر زیر آنها

۱. قانون نفت و گاز آذربایجان، ۲۰۰۰، ماده ۱۳

۲. Michael Polkinghorne , « Unitisation and Redetermination: Right or Obligation? »
Journal of Energy & Natural Resources Law Vol 25 No 3(2007),page4

را تحویل شرکت ملی دهند. این مسئله هیچ اثری بر سایر تعهدات و حقوق پیمانکاران نسبت به سایر نواحی قراردادی نخواهد داشت. ابهاماتی در این فرایند وجود دارد برای مثال اگر شرکتی نخواهد با همکاری دیگران به توسعه اقدام نماید تکلیف هزینه‌هایی که برای اکتشاف و ارزیابی متقبل شده چه خواهد بود؟ آیا سایر ذینفعان می‌توانند سرمایه لازم برای توسعه آن بخش که بدون متصدی باقی‌مانده را تأمین نمایند و اگر نتوانند آیا این حق را خواهند داشت که در بخش‌های دیگر، عملیات نفتی را آغاز کنند؟

بر اساس ماده ۲۷ مقررات نفت برزیل، در صورت وجود میدان‌های مشترک با بلوک‌های مجاور، پیمانکاران ملزم به تسهیم تولیدات می‌باشند و اگر طرفین نتوانند به توافق برسند شرکت ملی نفت برزیل براساس نظر داوری تعهدات و حقوق طرفین را به نحوی منصفانه مشخص خواهد کرد. در مدل قرارداد امتیازی ۲۰۰۳ برزیل درج شده است در صورت کشف میدانی که به خارج از ناحیه امتیاز گسترش یافته، دارنده امتیاز باید ظرف مدت ۷۲ ساعت از پی بردن به آن، مسئله را به آژانس ملی نفت برزیل اعلام نماید. اگر دارنده امتیاز دیگری نسبت به ناحیه مجاور حقی داشته باشد، آژانس ملی نفت برزیل موضوع را به اطلاع وی خواهد رساند. هدف از این کار گردآوری تمامی طرفین ذینفع برای توافق بر سر توسعه مشترک و یکپارچه‌سازی تولید است و اگر بلوک مجاور به پیمانکاری واگذار نشده باشد و آژانس ملی نفت برزیل به صلاحدید خود تشخیص دهد که ارزیابی‌های لازم در خصوص یکپارچه‌سازی میدان یا میدان‌ها انجام شده، امکان دارد آژانس با طرف اول برای یکپارچه‌سازی وارد مذاکره شود، گویی که خود دارنده امتیاز آن ناحیه است. هرچند در هرزمانی پیش، آژانس می‌تواند حین یا بعد از مذاکرات، ناحیه بدون دارنده امتیاز را به مناقصه گذاشته و پیمانکار انتخاب شده موظف به اجرای موافقت‌نامه یکپارچه‌سازی امضا شده خواهد بود. بعلاوه، در صورت درخواست طرفین آژانس ملی نفت برزیل به عنوان میانجی عمل کرده و سعی در مصالحه خواهد داشت. (ماده ۱۲-۲) بر اساس ماده ۱۲-۵ تا زمانی که موافقت‌نامه یکپارچه‌سازی نهایی و به تایید آژانس نرسد تمامی عملیات باید متوقف شوند. همچنین هر یک از دارندگان امتیاز حاضر به اجرای موافقت‌نامه یکپارچه‌سازی که توسط آژانس تعیین شده و با گزارش داوری نیز مورد تایید قرار گرفته نشود، قرارداد وی فسخ و آژانس ملی انرژی جایگزین خواهد شد.

در اکوادور بر اساس ماده ۸۵ قانون هیدروکربن تایید موافقت‌نامه عملیاتی مشترک برای میدان‌هایی که در نواحی دو یا چند قرارداد واقع شده‌اند برعهده وزارت انرژی و معدن می‌باشد. همچنین، بر اساس الگوی قرارداد مشارکت در تولید اکوادور اگر مخزن مشترکی به نواحی دو یا چند قرارداد گسترش یابد، پیمانکاران ملزم به یکپارچه‌سازی خواهند شد، در صورتی که شرکت ملی نفت اکوادور در ناحیه مربوطه مشغول فعالیت باشد ملزم به یکپارچه‌سازی است. تا زمانی که وزارت انرژی و معدن، مشترک بودن میدان را تایید نکرده و یا هیچ درخواستی مبنی بر مشترک بودن میدان ارائه نشده باشد، پیمانکاران می‌توانند به عملیات بهره‌برداری ادامه دهند. در صورتی که طرفین نتوانند بر سر مفاد موافقت‌نامه توسعه مشترک به توافق برسند، می‌توانند موافقت‌نامه عملیاتی موقتی را تهیه کرده و بر اساس آن اقدام کنند. این موافقت‌نامه نیز منوط به تایید وزارت انرژی و معدن می‌باشد و اگر طرفین نتوانند در تهیه موافقت‌نامه عملیاتی موقت به نتیجه برسند، وزارت معدن و انرژی بر اساس درخواست طرفین عوامل و عناصر اصلی عملیات را تعیین خواهد نمود. (ماده ۸-۸)

شروط موجود در منابع حقوقی اکوادور این فرصت را به پیمانکار می‌دهد که با اعلام نکردن مشترک بودن میدان، یکپارچه‌سازی را به تأخیر اندازد. هیچ الزامی برای پیمانکار جهت اعلام مشترک بودن میدان وجود ندارد؛ بنابراین پیمانکاری که در حال تخلیه منابع ناحیه مجاور است، تشویق می‌شود تا زمان اعلام مقامات مسئول، به عملیات بهره‌برداری خود ادامه دهد. بر اساس ماده ۴۷ مقررات نفت نیجریه اگر نماینده دولت با مشورت دارندگان امتیاز یا اجاره‌کنندگان به این نتیجه برسد که مخزن مشترک باید به صورت یکپارچه‌سازی شده توسعه یابد، دارندگان امتیاز یا اجاره‌کنندگان باید با درخواست نماینده نسبت به تهیه و ارائه برنامه توسعه مشترک اقدام کنند. اگر در زمان معین برنامه را ارائه ندهند و یا برنامه ارائه شده به تایید نرسد، نماینده برنامه را تهیه خواهد نمود که این برنامه باید برای تمامی طرفین ذینفع، عادلانه و منصفانه باشد.

در قرارداد خدماتی بین شرکت ملی نیجریه و یک شرکت خصوصی با جزئیات بیشتری به مسئله یکپارچه‌سازی پرداخته شده، نکته جالب آنکه در این قرارداد تمهیدات جداگانه‌ای برای مرحله اکتشاف، ارزیابی و توسعه اندیشیده شده است. هرگاه پیمانکار، ساختاری کشف کند که

از مرزهای قراردادی وی عبور کرده و به نواحی قراردادی سایر دارندگان مجوز یا اجاره کنندگان گسترش یافته باشد، پیمانکار باید سریعاً مسئله را به شرکت ملی نفت نیجریه اعلام کند و شرکت ملی نفت نیجریه باید تمام تلاش خود را در زمینه توافق ذینفعان بر سر برنامه اکتشاف و ارزیابی به انجام برساند. (ماده ۱۰-۱) بر اساس ماده ۱۰-۳ زمانی که یک یا تعدادی از طرفین حاضر به همکاری در برنامه اکتشاف نباشند، طرف یا طرفینی که موافق عملیات مشترک هستند می‌توانند به هزینه و ریسک خود اقدام نمایند و اگر عملیات به کشف میدان تجاری مشترک بیانجامد و طرفینی که در عملیات شرکت نکرده‌اند تمایل به مشارکت در توسعه و بهره‌برداری داشته باشند باید در تاریخ اعلام تمایل خود تمام هزینه‌ها به همراه بهره‌های متعلقه را به طرف مقابل بپردازند از سوی دیگر، مبلغ پرداختی مذکور به آنها بازپرداخت نخواهد شد ولی طرفینی که ریسک کرده‌اند تمام هزینه عملیات اکتشاف و ارزیابی را تحت قرارداد دریافت خواهند کرد.

ماده ۴-۱۰ مربوط به زمانی است که تجاری بودن میدان و گسترش آن به نواحی قراردادی سایر پیمانکاران به اثبات رسیده است. بر اساس ماده مذکور اگر میدان مشترکی کشف شود شرکت ملی نفت نیجریه طرفین را ملزم به توسعه و بهره‌برداری از آن به صورت واحد خواهد نمود. پیمانکاران ذینفع باید برنامه توسعه مربوط را تهیه و برای تایید به شرکت ملی نفت ارائه کنند. در غیر این صورت شرکت ملی نفت با مشورت طرفین نسبت به تهیه برنامه و تعیین سهم هر یک از آنان اقدام خواهد کرد. اگر پیمانکاری موافق برنامه تهیه شده نباشد، ظرف مدت سه ماه از تاریخ دریافت برنامه، می‌تواند اعتراض خود را به صورت کتبی به شرکت ملی نفت اعلام کند. اگر در این مرحله نیز توافقی حاصل نشود، مسئله به هزینه پیمانکار برای داوری ارجاع خواهد شد. هزینه‌های این داوری نیز قابل بازپرداخت نخواهد بود.

با توجه به مطالب فوق در نیجریه شرکت ملی نفت مسئول تشخیص ضرورت یکپارچه‌سازی و نیز تایید برنامه توسعه مشترک است. همچنین، رویه‌ای نیز برای زمانی که طرفین نتوانند به توافق برسند، مشخص شده نکته قابل ذکر در مورد نیجریه، تفکیک بین ساختارهای نفتی و گازی و میدان‌ها نفتی و گازی است.

در مقررات نفت ۱۹۹۵ انگلستان بخشی بانام توسعه واحد^۱ دیده شده است. بر اساس مقررات

مذکور به مجرد اعلان کتبی وزیر برای اقدام به یکپارچه‌سازی، دارندگان لیسانس می‌بایست برای تهیه برنامه توسعه میدان به صورت واحد همکاری نموده و مشترکا برنامه‌ای را برای تایید ارائه کنند. (۲-۲۵) اگر برنامه در مدت تعیین شده ارائه نشود یا برنامه ارائه شده به تایید وزیر نرسد، وزیر می‌تواند نسبت به تهیه برنامه توسعه اقدام کند. برنامه تهیه شده برای تمامی طرفین ذینفع باید عادلانه و منصفانه باشد. (ماده ۴-۲۵) تمامی طرفین نیز ملزم به اجرا و رعایت همه مفاد آن می‌باشند. اگر دارنده لیسانس به برنامه تهیه شده از سوی وزیر اعتراض داشته باشد در مدت ۲۸ روز از زمان ارائه آن به وی، می‌تواند موضوع را به داوری ارجاع دهد. (ماده ۵-۲۵) همانند سایر کشورها یکپارچه‌سازی در انگلستان اجباری است و وزیر به تشخیص خود می‌تواند طرفین را ملزم به یکپارچه‌سازی نماید. باین وجود برای کاهش ریسک سرمایه‌گذاران، اداره معدن و تجارت توضیحاتی در خصوص این الزام داده است.^۱

اول اینکه اگر طرفین به توافق نرسند، اداره با درک طرفین وقت بیشتری به آنها خواهد داد. به علاوه، طرفین باید تلاش کنند تا با در جریان گذاشتن اداره معدن و تجارت از ابتدای مذاکرات در زمان صرفه جویی کنند. از سوی دیگر، مبنای ارزیابی برنامه توسعه، تأمین منافع ملی انگلستان است و عادلانه بودن سهم طرفین ملاک تصمیم‌گیری نمی‌باشد؛ زیرا از نظر اداره مذکور حق مالکیت بر نفت و گاز تنها زمانی می‌تواند به وجود آید که بر مبنای قوانین کشور استخراج گردند.

عراق نیز به عنوان همسایه ایران در قانون نفت خود مسئله یکپارچه‌سازی را پیش‌بینی نموده است. بر اساس ماده ۱۶ قانون مذکور در صورت گسترش منبع نفتی به نواحی دو یا چند قرارداد، توسعه و بهره‌برداری از آن باید به شیوه یکپارچه‌سازی صورت گیرد موافقت‌نامه یکپارچه‌سازی باید به تایید شورای نفت و گاز^۲ برسد و در صورتی که طرفین نتوانند به توافق برسند، شورای نفت و گاز ظرف مدت شش ماه تصمیم‌گیری خواهد کرد. اگر منبع نفتی به مناطقی گسترش یابد که مربوط به هیچ قراردادی نیست، توسعه و بهره‌برداری از آن باید با هماهنگی شورای نفت و گاز انجام شود. در صورت گسترش منبع نفتی به بیرون از مرزهای عراق نیز شورای وزیران می‌بایست

۱. DTI Oil & Gas Directorate - Regulation Guidance Notes

۲. Oil and Gas Council

در راستای محافظت از حقوق جمهوری عراق با کشور همسایه راه حل مشترکی برای بهره‌برداری از منبع بیابند. همان‌طور که مشاهده می‌شود شروط فوق بسیار کلی بوده و مسائل زیادی در آنها حل نشده باقی مانده است. مسائلی چون مرحله اکتشاف و ارزیابی، وظیفه پیمانکار در اطلاع‌رسانی به موقع، فرآیند اعتراض پیمانکار به تصمیم شورا، ادامه یا توقف عملیات و ...

قانون نفت کردستان عراق^۱ اندکی بیشتر به جزئیات مسئله پرداخته بدین صورت که وزیر در صورت کشف مخازنی که به نواحی دو یا چند قرارداد گسترده شده است، طرفین را ملزم به یکپارچه‌سازی می‌کند و اگر طرفین به توافق نرسند، خود تصمیم خواهد گرفت و طرفین این حق را دارند که در صورت مخالفت با تصمیم وزیر، مسئله اختلافی را به داوری ارجاع کند. (بخش اول ماده ۴۹) اگر مخزن به ناحیه‌ای گسترده شود که مربوط به قرارداد دیگری نیست، وزیر ممکن است پیمانکار را به انعقاد موافقت‌نامه یکپارچه‌سازی ملزم کند. (بخش چهارم ماده ۴۹) این درحالی که است که در الگوی مشارکت در تولید کردستان عراق به نحو دیگری مقرر گردیده است. بر اساس ماده ۳۴ الگوی مذکور در چنین شرایطی به منظور قرار دادن کل مخزن در ناحیه قراردادی پیمانکار، ناحیه بیشتری به قرارداد وی اضافه خواهد شد به شرطی که پیمانکار حداقل برنامه کاری مناسبی را در خصوص ناحیه اضافی به دولت پیشنهاد کند. با توجه به اینکه در الگوی مذکور به قانون نفت کردستان اشاره شده است به نظر مغایرتی بین این دو وجود داشته باشد.

بر اساس الگوی قراردادهای نفتی ایران، شرکت ملی نفت ممکن است بر اساس توصیه‌های کمیته مشترک مدیریت، پیمانکار را ملزم کند تا از طریق مذاکره با طرف همسایه نسبت به تهیه و ارائه برنامه فعالیت برای یکپارچه‌سازی میدان^۲ اقدام کند. با این شرایط، شرکت ملی نفت باید با توصیه‌های کمیته مدیریت مشترک تصمیم به یکپارچه‌سازی بگیرد. به عبارت دیگر ابتدا باید کمیته مذکور در مورد یکپارچه‌سازی به جمع‌بندی برسد و سپس مسئله را به شرکت ملی نفت اعلام نماید. به نظر نمی‌رسد با توجه به سیستم مدیریت قرارداد، شرکت ملی نفت ایران در مورد دستور الزام به یکپارچه‌سازی اختیار کامل داشته باشد. مدیریت قرارداد توسط کمیته مدیریت مشترک که مشتمل بر شش عضو با تعداد اعضای مساوی از طرف کارفرما و پیمانکار است،

۱. The Kurdistan Region of Iraq

۲. Engagement Plan for The Joint Unitization of the Field

شکل می‌گیرد. تصمیم نهایی در کمیته بر اساس توافق تمامی اعضا اتخاذ می‌گردد و اگر اعضا نتوانند در مسئله‌ای به توافق برسند، مسئله به مدیریت ارشد ارجاع خواهد شد و اگر ایشان نتوانند در مدت معین مسئله را حل و فصل نمایند از سازوکارهای جایگزینی چون نظر کارشناس مستقل و یا میانجی که بر اساس توافق طرفین تعیین خواهند شد، استفاده می‌شود و اگر مسئله در این مرحله نیز حل نشود، به داوری ارجاع می‌گردد. واگذاری تصمیم مهمی چون یکپارچه‌سازی که با منافع ملی گره خورده به فرآیندی چنین طولانی و هزینه‌بر منطقی به نظر نمی‌رسد و در بین کشورهای مورد مطالعه تنها کشور آذربایجان است که تصمیم به یکپارچه‌سازی را به اختیار پیمانکار گذاشته است و در تمامی کشورها تصمیم نهایی با شرکت ملی نفت یا وزیر می‌باشد. حتی در آمریکا که مالکیت خصوصی نفت پذیرفته شده است قوانین یکپارچه‌سازی اجباری وجود دارد، بنابراین بهتر است در ایران نیز تصمیم‌گیری در این خصوص در اختیار شرکت ملی نفت قرار گیرد. در خصوص تهیه برنامه عملیاتی مشترک نیز ماده ۱۶-۲۱ طرفین را ملزم به رعایت اصول، رویه‌ها و دستورات تعیین شده از طرف شرکت ملی نفت ایران نموده است. محدود کردن فضای مذاکرات پیمانکاران با وضع قوانین و مقررات، احتمال بروز مشکل را افزایش خواهد داد. به نظر می‌رسد شرکت ملی نفت ایران باید بیشتر به دنبال اهداف مدنظر باشد تا اینکه با وضع مقررات از انعطاف‌پذیری فرآیند بکاهد.

پیمانکاران می‌بایست در انجام مذاکرات برای تهیه برنامه عملیاتی مشترک، آزادی کافی داشته باشند و با توجه به پیچیده و طولانی بودن مذاکراتی از این دست، باید این اطمینان را داشته باشند که شرکت ملی نفت ایران به دلایل غیرمنطقی از تایید آن امتناع نخواهد کرد. بندهای ۲۲ و ۲۳ ماده ۱۶ برخلاف این منطق می‌باشند. به این نحو که شرکت ملی نفت ایران این حق را خواهد داشت که حتی اگر طرفین موفق به تهیه برنامه یکپارچه‌سازی شوند، خود رأساً با طرف مقابل وارد مذاکره شود و اگر این مذاکرات به توافق بیانجامد، پیمانکار دیگر ملزم به اجرای آن خواهد بود. توسعه و بهره‌برداری به صورت یکپارچه‌سازی به اندازه کافی با پیچیدگی‌هایی همراه است و آوردن موادی نظیر مواد مذکور به عدم اطمینان طرفین افزوده و احتمال رسیدن به موفقیت را کاهش خواهد داد. لذا بهتر است شرکت ملی نفت ایران فقط به بررسی طرح توسعه پرداخته و وظیفه حاکمیتی و نظارتی خود را تنها با تایید یا رد طرح ارائه شده از طرف پیمانکاران اعمال نماید.

۴- نتیجه‌گیری

بررسی منابع حقوقی کشورها و مقایسه آنها با شروط مربوط به یکپارچه‌سازی در نمونه جدید قراردادهای نفتی ایران نشان داد که بیشتر کشورها به مسئله یکپارچه‌سازی در منابع حقوقی خود اشاره کرده‌اند. هرچند شروط مذکور در این منابع خالی از اشکال نبود و قریب به اتفاق آنها با ابهامات و اشکالاتی همراه هستند. این مسئله در خصوص نمونه قراردادهای نفتی ایران نیز صادق است بنابراین، با عنایت به شرایط مذکور و با در نظر گرفتن مطالب پیش گفته نکات زیر را برای نمونه جدید قراردادهای نفتی ایران می‌توان پیشنهاد کرد.

وظیفه پیمانکار در صورت کشف میدان یا ساختار نفتی مشترک،

منظور از میدان یا ساختار نفتی مشترک،

اهداف موردنظر از یکپارچه‌سازی،

نحوه اطلاع‌رسانی به پیمانکاران در خصوص لزوم یکپارچه‌سازی و وظیفه پیمانکاران بعد از دریافت نامه کتبی شرکت ملی نفت ایران در مواد زیر پیش‌بینی شده است.

ماده ۱. در صورت کشف میدان یا ساختار نفتی که به بیرون از ناحیه قراردادی گسترده شده است، پیمانکار باید ظرف مدت یک هفته از زمان اطلاع، مراتب را به صورت کتبی به شرکت ملی نفت ایران اعلام کند.

ماده ۲. شرکت ملی نفت ایران ممکن است به تشخیص خود و یا به درخواست پیمانکار/پیمانکاران در راستای منافع ملی و به منظور دستیابی به حداکثر ضریب باز یافت نهایی و کارایی اقتصادی و حداقل نمودن هزینه‌ها، تمامی طرفین درگیر را ملزم به بهره‌برداری از میدان یا ساختار نفتی مذکور به صورت یکپارچه‌سازی کند.

ماده ۳. در پی دستور کتبی شرکت ملی نفت ایران به لزوم یکپارچه‌سازی، پیمانکاران مرتبط می‌بایست با یکدیگر برای تهیه موافقت‌نامه یکپارچه‌سازی و تحویل آن به شرکت ملی نفت ایران برای بررسی و تایید همکاری کنند.

ماده ۴. دستور کتبی مورداشاره در ماده قبل باید شامل نقشه ناحیه یکپارچه‌سازی و مهلت تعیین شده برای تهیه و ارائه موافقت‌نامه یکپارچه‌سازی باشد.

پس‌ازاینکه شرکت ملی نفت به پیمانکاران اعلام کرد که بایستی با همکاری یکدیگر موافقت‌نامه یکپارچه‌سازی را تهیه و ارائه کنند، مهلتی را نیز تعیین نماید و اقدامات لازم برای زمانی که طرفین نتوانند نسبت به تهیه و ارائه موافقت‌نامه مذکور اقدام کنند، پیش‌بینی کند. بدین جهت ماده زیر پیشنهاد می‌گردد:

ماده ۵. اگر موافقت‌نامه یکپارچه‌سازی در مهلت مقرر تهیه و به شرکت ملی نفت ایران تحویل نگردد و یا موافقت‌نامه تحویل داده‌شده به تایید شرکت ملی نفت ایران نرسد، این شرکت نسبت به تهیه موافقت‌نامه یکپارچه‌سازی اقدام خواهد کرد که موافقت‌نامه تهیه‌شده باید برای طرفین عادلانه و منصفانه باشد.

ماده ۶. موافقت‌نامه تهیه‌شده توسط پیمانکاران و تاییدشده از سوی شرکت ملی نفت ایران و یا موافقت‌نامه تهیه‌شده توسط شرکت ملی نفت ایران، برای تمامی طرفین لازم‌الاجرا خواهد بود. اگر یکی از پیمانکاران طرح ارائه‌شده توسط شرکت ملی نفت ایران را نپذیرد آیا حق اعتراض خواهد داشت؟ و اگر پاسخ مثبت است رویه اعتراض چگونه خواهد بود؟ سه رویکرد را می‌توان در این خصوص اتخاذ کرد. بر اساس رویکرد اول در صورت عدم پذیرش طرح ارائه‌شده، قرارداد طرفی که طرح را نمی‌پذیرد فسخ خواهد شد و پیمانکار باید ناحیه قراردادی را ترک نموده و به شرکت ملی نفت ایران تحویل دهد. بر اساس رویکرد دوم در صورت عدم پذیرش طرح ارائه‌شده توسط شرکت ملی نفت، پیمانکار باید بخشی از ناحیه قراردادی را که مربوط به ناحیه یکپارچه‌سازی است، ترک کرده و به شرکت ملی نفت تحول دهد و نهایتاً در رویکرد سوم به پیمانکار این اجازه داده می‌شود که مسئله را به کارشناس مستقل یا داوری البته به هزینه خود ارجاع دهد. با توجه به اینکه هدف شرکت ملی نفت ایران از معرفی نمونه قراردادهای جدید، جذب کردن سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز می‌باشد رویکردهای دوم و سوم بارز و نمونه قرارداد ارائه‌شده سازگاری بیشتری دارند. شروط زیر را می‌توان برای دو رویکرد اخیر بکار گرفت.

ماده ۷. گزینه اول: اگر یکی از طرفین از اجرای موافقت‌نامه تهیه‌شده توسط شرکت ملی نفت ایران در مهلت مقرر امتناع ورزد، پیمانکار امتناع کننده باید بخش‌هایی از ناحیه قراردادی خود را که مربوط به ناحیه یکپارچه‌سازی شده می‌باشد، ترک نموده و به شرکت ملی نفت ایران تحویل

دهد. این امر هیچ خللی به تعهدات و حقوق پیمانکار در خصوص نواحی باقی مانده تحت این قرارداد وارد نخواهد کرد.

گزینه ی دوم: اگر یکی از پیمانکاران از اجرای موافقت نامه تهیه شده توسط شرکت ملی نفت ایران در مهلت مقرر امتناع ورزد، پیمانکار امتناع کننده این حق را خواهد داشت که در مدت ... روز بعد از دریافت موافقت نامه مذکور، مسئله را به کارشناس مستقل بر اساس ماده ... ارجاع دهد، هزینه چنین ارجاعی تماماً بر عهده پیمانکار خواهد بود و به هیچ وجه از سوی شرکت ملی نفت ایران بازپرداخت نخواهد شد.

اگر پیمانکار مسئله گسترش میدان نفتی به بیرون از ناحیه قراردادی خود را به شرکت ملی نفت ایران اعلام ننماید، چه عواقبی برایش خواهد داشت؟ یافتن پاسخی مناسب برای این سوال بسیار دشوار است زیرا احتمالات متعددی را می توان در نظر گرفت. برای نمونه آیا قصور پیمانکار ضرر و زیانی را به شرکت ملی نفت ایران وارد نموده است یا خیر؟ در بررسی ضرر و زیان احتمالی باید چه مواردی در نظر گرفته شوند؟ اگر ناحیه مجاور به پیمانکار دیگری واگذار شده باشد این ضرر و زیان بیشتر خواهد بود. همچنین تشخیص اینکه کدام یک از طرفین از مسئله مطلع بوده و به شرکت ملی نفت ایران اعلام نکرده اند کار ساده ای نخواهد بود و اینکه آیا همه پیمانکارانی که از مشترک بودن ساختار نفتی مطلع بودند ولی نسبت به آشکار کردن آن اقدام نکرده اند، مسئولیت یکسانی خواهند داشت؟ شاید به خاطر همین ابهامات باشد که در هیچ از منابع مورد بررسی اشاره ای به شیوه برخورد با قصور پیمانکار نشده است. باین حال باید ماده ای در قرارداد گنجانده شود که در شرایط به وجود آمدن این مشکل بتوان به آن رجوع کرد. به نحوی که نیاز به استنباط از مواد کلی و عمومی تر نباشد. در نتیجه می توان ماده زیر را به متن قرارداد اضافه کرد:

ماده ۸. اگر پیمانکار گسترش میدان یا ساختار نفتی به بیرون از ناحیه قراردادی خود را عمداً به اطلاع شرکت ملی نفت ایران نرساند، مسئولیت جبران تمام هزینه های مستقیم و غیرمستقیم غیر ضرور، خسارات به مخزن، تجهیزات و تاسیسات اضافی ناشی از این قصور را بر عهده خواهد داشت.

حال اگر ساختار نفتی به بیرون از ناحیه قراردادی گسترش یابد که به پیمانکار دیگری واگذار



نشده باشد، پیمانکار باید به چه نحوی عمل نماید؟

ماده ۹. اگر میدان یا ساختار نفتی به ناحیه‌ای گسترش یابد که به پیمانکار دیگری واگذار نشده باشد، شرکت ملی نفت ایران ممکن است آن ناحیه را به ناحیه قرارداد فعلی اضافه نماید. پیمانکار باید تمامی عملیات نفتی لازم در ناحیه اضافه‌شده را به گونه‌ای به اجرا بگذارد گویی که آن ناحیه از روز نافذ شدن قرارداد جزو آن بوده است.

اگر ساختار نفتی به ناحیه‌ای گسترش یابد که شرکت ملی نفت ایران یا یکی از شرکت‌های تابعه در حال انجام عملیات نفتی در آن باشند، تکلیف چیست؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت، برای دستیابی به اهداف موردنظر از یکپارچه‌سازی می‌بایست شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های تابعه نیز ملزم به یکپارچه‌سازی باشند. هرچند دخالت دو شرکت تابعه در قرارداد^۱ باعث پیچیده‌تر شدن مسئله شده و اجرای آن را با مشکل مواجه خواهد کرد. لذا بهتر است آن بخش از ناحیه که مربوط به میدان یا ساختار هیدروکربنی است به ناحیه قراردادی پیمانکار اضافه شود:

ماده ۱۰. اگر میدان یا ساختاری نفتی به ناحیه‌ای گسترش یابد که شرکت ملی نفت ایران یا یکی از شرکت‌های تابعه آن در حال انجام عملیات نفتی می‌باشند، آن بخش از ناحیه مذکور که به میدان یا ساختار نفتی کشف‌شده از سوی پیمانکار مرتبط می‌باشد به ناحیه قراردادی پیمانکار اضافه خواهد شد. پیمانکار باید تمامی عملیات نفتی لازم در ناحیه اضافه‌شده را به گونه‌ای به اجرا بگذارد که گویی آن ناحیه از روز نافذ شدن قرارداد جزو قرارداد بوده است.

ماده ۱۱. تمامی هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم مربوط به ناحیه اضافه‌شده که توسط شرکت ملی نفت ایران یا شرکت‌های تابعه آن پرداخت شده بخشی از هزینه‌های این قرارداد محسوب شده است و تعدیلات لازم به‌منظور بازپرداخت آنها به شرکت ملی نفت ایران بر اساس رویه حسابداری باید صورت گیرد.

با توجه به امکان طولانی شدن مذاکرات مربوط به تهیه و ارائه موافقت‌نامه یکپارچه‌سازی، آیا در این فاصله، عملیات نفتی باید متوقف شود یا امکان ادامه آن وجود دارد؟ در پاسخ به این سوال نیز می‌توان از شرط زیر استفاده کرد:

۱. مثلاً شرکت مهندسی و توسعه نفت به عنوان نماینده شرکت ملی نفت ایران و شرکت نفت مناطق نفتخیز جنوب به عنوان شرکت درگیر در منطقه.

ماده ۱۲. تمامی عملیات نفتی مرتبط با میدان یا ساختار نفتی مربوط تا زمان تهیه و تایید موافقت‌نامه یکپارچه‌سازی به نحو تصریح‌شده در ماده ۱ متوقف خواهند شد، مگر اینکه شرکت ملی نفت ایران به صلاحدید خود به گونه دیگری مقرر کرده باشد.

برای جبران تاخیر در انجام تعهدات پیمانکار در نتیجه فرآیند یکپارچه‌سازی بهتر است شرط زیر را به قرارداد اضافه نمود:

ماده ۱۳. در صورتی که فرآیند یکپارچه‌سازی تمام یا بخشی از تعهدات پیمانکار را که بر اساس این قرارداد باید در دوره زمان معینی انجام می‌شد، تحت تأثیر قرار دهد، آن دوره زمانی باید به میزان زمان سپری‌شده از زمان اعلام شرکت ملی نفت ایران برای یکپارچه‌سازی تا زمان تایید موافقت‌نامه یکپارچه‌سازی تمدید گردد. تمدید مذکور نباید بیش از ... ماه یا هرزمانی که شرکت ملی نفت ایران پذیرفته است، باشد.

در صورت گسترش میدان یا ساختار هیدروکربنی به قلمرو کشور همسایه، اگر موافقت‌نامه‌ای با کشور همسایه وجود داشته باشد از مفاد آن استفاده می‌شود و در غیر این صورت با آوردن شروط کلی سعی در الزام پیمانکار به همکاری و رعایت اصول اعلام‌شده از طرف شرکت ملی نفت می‌گردد. بر این اساس، با علم به اینکه ایران دارای موافقت‌نامه یکپارچه‌سازی با کشورهای همسایه نمی‌باشد، شرط زیر پیشنهاد می‌شود:

ماده ۱۴. اگر ساختار یا میدان نفتی به نواحی گسترده شود که قدرت شرکت ملی نفت ایران در آن نواحی قابل اعمال نبوده و شرکت ملی نفت ایران بر این باور باشد که میدان یا ساختار نفتی باید به صورت یکپارچه‌سازی شده و با همکاری تمامی پیمانکاران و طرفینی که دارای منافعی در آن هستند توسعه یابد، شرکت ملی نفت ایران ممکن است دستوراتی را در این خصوص صادر نماید. این دستورات برای پیمانکار لازم‌الاجرا بوده و ممکن است بخش‌هایی از طرح توسعه پیمانکار را تغییر داده و یا حذف کند.

ممکن است بین موافقت‌نامه یکپارچه‌سازی و برخی از مفاد قراردادهای اصلی پیمانکاران مغایرتی وجود داشته باشد. در این صورت اگر موافقت‌نامه یکپارچه‌سازی به تایید شرکت ملی نفت ایران رسیده باشد از شرط زیر می‌توان استفاده نمود:

ماده ۱۵. در صورت هرگونه مغایرت بین موافقت‌نامه یکپارچه‌سازی و قراردادهای هر یک از



پیمانکاران، موافقت‌نامه یکپارچه‌سازی ملاک عمل خواهد بود. مگر اینکه طور دیگری توافق شده باشد.

منابع

- رضایی، محمد، محمدرضا، زمین شناسی نفت، (تهران: علوی، ۱۳۸۳).
- صیرفیان، علی، زمین شناسی نفت، (تهران: سمر، ۱۳۸۶).
- کاشانی، جواد.. منابع نفت و گاز مشترک از منظر حقوق بین الملل. چاپ دوم، (تهران: شهر دانش، ۱۳۹۳).

English Sources

- Benvenisti Eyal, , Sharing Transboundary Resources: International Law and Optimal Resource Use, (Cambridge University Press, 2002) - 276 pages.
- Fox Hazel , *Joint Development of Offshore Oil and Gas*, (British Institute of International and Comparative Law, 1989) 426 pages
- Kramer M.Bruce & Conin B.Gray , joint development and operation in International Petroleum Transactions, 10th edition (rocky mountain mineral law foundation, 2000), 1140 pages .
- Michael Polkinghorne, «Unitisation and Redetermination: Right or Obligation?» Journal of Energy & Natural Resources Law Vol 25 No 3 (2007).
- Weaver, Jacqueline Lang and Asmus, David F «Unitizing Oil and Gas Fields Around the World: A Comparative Analysis of National Laws and Private Contracts». In: Houston Journal of International Law. Vol. 28. (2006) .

قوانین، مقررات و قراردادهای

- Republic of Iraq Draft Iraq Oil and Gas Law No. __ of 2007.
- Petroleum Act of the Kurdistan Region of Iraq for Submission to The Parliament of the Kurdistan Region Council of Ministers Draft 22 October 2006.
- Production Sharing Contract [] B Lock Kurdistan Region Between the Kurdistan Regional Government of Iraq And [].
- ANGOLA Model Production Sharing Agreement 1997, Production Sharing Agreement between Sociedade Nacional de Combustiveis de Angola -Unidade Economica Estatal (Sonangol, U.E.E.) and ____ in the Area of Block ____ (PEPS).
- The Oil and Gas Law of the Azerbaijan Republic, Parliament Commission Draft, April 13, 2000 (Barrows Supp. No. 43, Russia & NIS) .
- Petroleum Law No. 9778, 6 August 1997, The Regulation of the Petroleum Industry in Brazil (PEPS).
- 2003 Model Concession Agreement (5th ANP Round), Federal Republic Of Brazil, Ministry Of Mines And Energy, Concession Agreement For The Exploration, Development And Production Of Oil And Natural Gas By And



Between Agência Nacional Do Petróleo And
____ Brazil 2003 (PEPS).

- China Model Contract for Third Onshore Bidding Round 1995 plus Annex (PEPS).
- COLOMBIA 2000 Model Association Contract (PEPS).
- ECUADOR Supreme Decree No. 2967. RO/ 711 of November 15th, 1978 - LAW ON HYDROCARBONS, 1978 (Consolidated up to 2000) (PEPS).
- ECUADOR Hydrocarbon Operation Rules, 16 September 2002 (PEPS).
- ECUADOR Model Production Sharing Contract, 2002 (PEPS).
- EGYPT Decree 758 of 1972, Executive Regulations of Law 66/1953 Concerning Mines and Quarries.
- 1997 Concession Agreement for Petroleum Exploration and Exploitation Between the Arab Republic of Egypt and The Egyptian General Petroleum Corporation and Norsk Hydro Exploration Egypt a.s and Kufpec (Egypt) Limited (Ras El Hekma Area, Western Desert, A.R.E.) (Barrows Supplement No. 129, N. Africa).
- INDONESIA, Decree NO. 402/D/D/MIGAS/1967.
- NIGERIA Petroleum (Drilling and Production) Regulations, 1969 (Barrows Supp. No. 22, S. & C. Africa).
- UNITED KINGDOM. Petroleum (Production) (Landward Areas) Regulations, 1995 (PEPS).
- DTI Oil & Gas Directorate - Regulation Guidance Notes.